مسائل متفرقه زکات

مسائل متفرقه زکات

۱۹۶۱ موقعی که گندم و جو را از کاه جدا می کنند و موقع خشک شدن خرما و انگور انسان باید زکات را به فقیر بدهد یا از مال خود جدا کند و زکات طلا و نقره و گاو و گوسفند و شتر را بعد از تمام شدن، ماه دوازدهم باید به فقیر بدهد یا از مال خود جدا نماید. ولی بعد از جدا کردن اگر منتظر فقیر معینی باشد یا بخواهد به فقیری بدهد که از جهتی برتری دارد می تواند زکات را به انتظار او ؛ ولو تا چند ماه نگهدارد.

۱۹۶۲ بعد از جدا کردن زکات لازم نیست فورا آن را به مستحق بدهد ولی اگربه کسی که می شود زکات داد دسترسی دارد احتیاط مستحب آن است که دادن زکات را تاخیر نیندازد.

۱۹۶۳ کسی که می تواند زکات را به مستحق برساند اگر ندهد و به واسطه کوتاهی او از بین برود باید عوض آن را بدهد.

۱۹۶۴ کسی که می تواند زکات را به مستحق برساند اگر زکات را ندهد و بدون آن که در نگهداری آن کوتاهی کند از بین برود چنانچه دادن زکات را به قدری تاخیر انداخته که نمی گویند فورا داده است باید عوض آن را بدهد و اگر به این مقدار تاخیر نینداخته مثلا دو سه ساعت تاخیر انداخته و در همان دو سه ساعت تلف شده، در صورتی که مستحق حاضر نبوده چیزی بر او واجب نیست و اگر مستحق حاضر بوده بنابر احتیاط واجب باید عوض آن را بدهد.

۱۹۶۵ اگر زکات را از خود مال کنار بگذرد می تواند در بقیه آن تصرف کند واگر از مال دیگرش کنار بگذارد می تواند در تمام مال تصرف نماید.

۱۹۶۶ انسان نمی تواند زکاتی را که کنار گذاشته برای خود بردارد و چیز دیگری به جای آن بگذارد

۱۹۶۷ اگر از زکاتی که کنار گذاشته منفعتی ببرد مثلا گوسفندی که برای زکات گذاشته بره بیاورد، مال فقیر است.

۱۹۶۸ اگر موقعی که زکات را کنار می گذارد مستحقی حاضر باشد بهتر است زکات را به او بدهد مگر کسی را در نظر داشته باشد که دادن زکات به او از جهتی بهتر باشد.

۱۹۶۹ اگر با عین مالی که برای زکات کنار گذاشته برای خودش تجارت کند صحیح نیست و اگر با اجازه حاکم شرع برای مصلحت زکات تجارت کند تجارت صحیح و نفعش مال زکات است.

۱۹۷۰ اگر پیش از آن که زکات بر او واجب شود چیزی بابت زکات به فقیر بدهد زکات حساب نمی شود و بعد از آن که زکات بر او واجب شد اگر چیزی را که به فقیر داده از بین نرفته باشد و آن فقیر هم به فقر خود باقی باشد می تواند چیزی را که به او داده بابت زکات حساب کند.

۱۹۷۱ فقیری که می داند زکات بر انسان واجب نشده اگر چیزی بابت زکات بگیردو پیش او تلف شود ضامن است پس موقعی که زکات بر انسان واجب می شود اگر آن فقیر به فقر خود باقی باشد می تواند عوض چیزی را که به او داده بابت زکات حساب کند.

۱۹۷۲ فقیری که نمی داند زکات بر انسان واجب نشده اگر چیزی بابت زکات بگیردو پیش او تلف شود ضامن نیست و انسان نمی تواند عوض آن را بابت زکات حساب کند.

۱۹۷۳ مستحب است زکات گاو و گوسفند و شتر را به فقیرهای آبرومند بدهد و در دادن زکات، خویشان خود را بر دیگران و اهل علم و کمال را بر غیر آنان، و کسانی را که اهل سؤال نیستند، بر اهل سؤال مقدم بدارد، ولی اگر دادن زکات به فقیری از جهت دیگری بهتر باشد مستحب است زکات را به او بدهد.

۱۹۷٤ بهتر است زکات را آشکار، و صدقه مستحبی را، مخفی بدهند.

۱۹۷۵ اگر در شهر کسی که می خواهد زکات بدهد مستحقی نباشد، و نتواند زکات را به مصرف دیگری هم که برای آن معین شده برساند، چنانچه امید نداشته باشد که بعدا مستحق پیدا کند باید زکات را به شهر دیگر ببرد و به مصرف زکات برساند، ولی مخارج بردن به آن شهر به عهده خود اوست و اگر زکات تلف شود ضامن نیست.

۱۹۷٦ اگر در شهر خودش مستحق پیدا شود می تواند زکات را به شهر دیگر ببرد.ولی مخارج بردن به آن شهر را باید از خودش بدهد و اگر زکات تلف شود ضامن است مگر آنکه با اجازه حاکم شرع برده باشد.

۱۹۷۷ اجرت وزن کردن، پیمانه نمودن گندم و جو و کشمش و خرمایی را که برای زکات می دهد با خود اوست.

۱۹۷۸ کسی که مثقال و نخود نقره یا بیشتر، از بابت زکات بدهکار است می تواند کمتر از مثقال و نخود نقره هم به یک فقیر بدهد و نیز اگر غیر نقره چیز دیگری مثل گندم و جو بدهکار باشد و قیمت آن به مثقال و نخود نقره هم برسد می تواند به یک فقیر کمتر از آن بدهد.

۱۹۷۹ مکروه است انسان از مستحق درخواست کند که زکاتی را که از او گرفته به او بفروشد ولی اگر مستحق بخواهد چیزی را که گرفته بفروشد بعد از آنکه به قیمت رساند کسی که زکات را به او داده در خریدن آن بر دیگران مقدم است.

۱۹۸۰ اگر شک کند زکاتی را که بر او واجب بوده داده یا نه باید زکات را بدهد هر چند شک او برای زکات سالهای پیش باشد.

۱۹۸۱ فقیر نمی تواند زکات را به کمتر از مقدار آن صلح کند یا چیزی را گرانتر از قیمت آن بابت زکات قبول نماید، یا زکات را از مالک بگیرد و به او ببخشد. ولی کسی که زکات زیادی بدهکار است و فقیر شده و نمی تواند زکات را بدهد و امید هم ندارد که دارا شود، چنانچه بخواهد توبه کند فقیر، می تواند زکات را از او بگیرد و به او ببخشد.

۱۹۸۲ انسان می تواند از زکات قرآن یا کتاب دینی یا کتاب دعا بخرد و وقف نماید، اگر چه بر اولاد خود و بر کسانی

وقف کند که خرج آنان بر او واجب است. و نیز می تواند تولیت وقف را برای خود یا اولاد خود قرار دهد.

۱۹۸۳ انسان نمی تواند از زکات ملک بخرد و بر اولاد خود یا بر کسانی که مخارج آنان بر او واجب است وقف نماید که عایدی آن را به مصرف مخارج خود برسانند.

۱۹۸٤ فقیر می تواند برای رفتن به حج و زیارت و مانند اینها زکات بگیرد، ولی اگر به مقدار خرج سالش زکات گرفته باشد، برای زیارت و مانند آن نمی تواند زکات بگیرد.

۱۹۸۵ اگر مالک فقیری را وکیل کند، که زکات مال او را بدهد، چنانچه آن فقیر احتمال دهد که قصد مالک این بوده که خود آن فقیر از زکات برندارد،نمی تواند چیزی از آن را برای خودش بردارد و اگر یقین داشته باشد که قصد مالک این نبوده، برای خودش هم می تواند بردارد.

۱۹۸٦ اگر فقیر شتر و گاو و گوسفند و طلا و نقره را بابت زکات بگیرد، چنانچه شرطهایی که برای واجب شدن زکات گفته شد در آنها جمع شود باید زکات آنها را بدهد.

۱۹۸۷ اگر دو نفر در مالی که زکات آن واجب شده با هم شریک باشند و یکی ازآنان زکات قسمت خود را بدهد و بعد مال را تقسیم کنند چنانچه بداند شریکش زکات سهم خود را نداده تصرف او در سهم خودش هم اشکال دارد.

۱۹۸۸ کسی که خمس یا زکات بدهکار است و کفاره و نذر و مانند اینها هم بر او واجب است و قرض هم دارد چنانچه نتواند همه آنها را بدهد اگر مالی که خمس یا زکات آن واجب شده از بین نرفته باشد باید خمس و زکات را بدهد و اگر از بین رفته باشد می تواند خمس یا زکات را بدهد یا کفاره و نذر و قرض و مانند اینها را ادا نماید.

۱۹۸۹ کسی که خمس یا زکات بدهکار است و نذر و مانند اینها هم بر او واجب است و قرض هم دارد، اگر بمیرد و مال او برای همه آنها کافی نباشد چنانچه مالی که خمس و زکات آن واجب شده از بین نرفته باشد، باید خمس یا زکات را بدهند و بقیه مال او را به چیزهای دیگری که بر او واجب است قسمت کنند و اگر مالی که خمس و زکات آن واجب شده از بین رفته باشد باید مال او را به خمس و زکات و قرض و نذر و مانند اینها قسمت نمایند مثلا اگر چهل تومان خمس بر او واجب است و بیست تومان به کسی بدهکار است و همه مال او سی تومان است، باید بیست تومان بابت خمس و ده تومان به دین او بدهند.

۱۹۹۰ کسی که مشغول تحصیل علم است و اگر تحصیل نکند می تواند برای معاش خود کسب کند، چنانچه تحصیل آن علم واجب یا مستحب باشد، می شود به او زکات داد و اگر تحصیل آن علم واجب یا مستحب نباشد، زکات دادن به او اشکال دارد.